

جغرافیای ادیان سامی

افشین زند

eteraz1.blogspot.com

حافظان(قراولان!) دکانداری ادیان سامی مدعی هستند که این ادیان جهان شمول بوده و برای راهنمایی تمامی مردم جهان از سوی خداوند فرستاده شده اند! در اینجا مختصر توضیحی را الزامی می دانم: اصولن دین یهود - بعنوان اولین آئین یکتاپرستی سامی - دینی ست "منطقه ای" و "تژادی" که در هیچ کجای آن - چه در تورات و چه در احکام پراکنده آن - سخنی از جهان شمول بودنش نرفته است. بعکس، در جای جای تورات بر این مهم تأکید شده است که **يَهُوه** [۱] پیامبران متعددی را "فقط برای قوم بنی اسرائیل" فرستاد تا "رمة های راه گم کرده را" همچون شبانی به گله و راه راست - که همانا راه یهوه است - راهبر شوند. عبارتی، قوم بنی اسرائیل بعنوان "بندگان برگزیده خدا"، تنها کسانی هستند که حق یهودی بودن و بندگی یهوه را دارند، بنابراین انسان اگر حتا خود داوطلب برگزیدن آئین یهود بعنوان دین دلخواهش باشد، چنین حقی به وی تعلق نمی گیرد، چرا که او عضوی از جامعه (= قوم) سامی بنی اسرائیل نیست! بر همین پایه، جهان شمول بودن آئین یهود که در قرآن بر آن تأکید شده کاملن منتفی ست.

و اما دین مسیح نیز با تحولات بنیادینی که در طول اعصار - از سوی بشر - بدان تحمیل شده، اصولن با بنیان خود فاصله بسیار دارد و به همین خاطر عملن نمی تواند حامی پیامی جامع برای بشریت باشد. بغیر از این، با بازنگری تاریخی در ریشه های مسیحیت در خواهیم یافت که خود آن نیز در ابتدا بعنوان ابزاری در دست دستگاه سیاسی تمامت خواه روم "همچون شاخصه ملی و حریه کشورگشائی" بکار گرفته شد و از آنجا بود که داعیه "جهان شمولی اش"(وسیله ای در جهت تحمیق دیگر ممالک) به گوش ها رسید. یعنی آئینی که ادعا می شود نطفه اش در میان ضعفا بسته شد، بدست پرتوان ابر قدرت روم رشد کرد و گسترش یافت. قرنهای متمادی پس از آن نیز بشریت شاهد دستگاه "سیاسی" پاپ بود که "ابزار" مسیحیت را جهت استیلای خود بر دیگر ممالک بکار گرفت و به همین خاطر اگر مردمی مسیحی شدند، باین دلیل واضح بود که مسیحی شان کردند! در همین راستا، در قسمت دیگر جهان نیز شاهد بودیم که دیگر آئین توحیدی یعنی اسلام - یکه تازانه - با چه شدتی مشغول مسلمان سازی دیگر ملل بود و همان رسالت "جهان شمولی" دین پاپ را به نحوی دیگر اجرا می کرد!

از تمام اینها گذشته، امروزه پژوهشگران ادیان جملگی اتفاق نظر دارند که تنها دین مدعی جهان شمول بودن، دین اسلام است. البته بخش عمده همین پژوهشگران چون تئودور نولدکه[۲]، آرتور جفری[۳]، و مونتگمری وات[۴] در آثار خود اذعان داشته اند که حتا محمد نیز تنها چشم به "هدایت" اهالی مکه و در بُعد وسیعتر شبه جزیره عربستان داشته و گسترانیدن قلمرو اسلام سودائی بوده که ریشه اش از درون ذهن خلفا و جانشینان پس از وی روئیده است. از آیه هفت سوره "الشوری" نیز به همینگونه استنباط می شود: «این قرآن را به زبان عربی به تو وحی کردیم که اهالی ام القرای مکه و اطرافش را بیم دهی.»

دیدگاهی که سخن اش رفت - یعنی بی توجهی محمد به بُعد عالمگیری اسلام - در جای خود نظریه ای درخور توجه است، زیرا شواهد تاریخی جملگی اذعان می دارند که محمد و یارانش بدلیل ذیق وقت(مدت کوتاه ۲۳ سال نبوت که تنها کمتر از هشت سالش اسلام وجود سیاسی تاریخی داشته است.) و کمبود امکانات مالی و انسانی و مهمتر از همه عدم شناخت کافی از جغرافیا و ماهیت جهان پیرامون[۵]، اصولن نمی توانسته اند سودای "جهان شمولی" آئین سیاسی خود را در سر پرورنده باشند. بعلاوه، این مهم را نیز مؤءکد نباید فراموش کرد که از هنگام پاگیری اسلام تا فوت پیامبر که عمر کوتاه ۲۳ ساله رسالت وی را شامل می شود، و متعاقبش جنگ ها و غائله های متنابویی که فی مابین اعراب مسلمان و غیر مسلمان در جریان بوده، اصولن پیامبر فرصت چندانی برای اندیشیدن به جهان گشائی نداشته است. بر همه اینها نکته نغزی نیز افزوده می شود که آن اطلاعات جغرافیائی بسیار ضعیف پیامبر از جهان پیرامونش بوده است که این ضعف در جای جای قرآن مشهود است[۶]. درست همینجاست که ما به نکته مورد نظر خود می رسیم: یعنی "جغرافیای ادیان سامی".

انسان خردورز با گذری هر چند گذرا در میان متون سه دین باصلاح توحیدی، به این نتیجه اصولی می رسد که یا خدا از جغرافیای جهان و وجود کشورهای پر جمعیتی چون چین و هند و قاره افریقا و امریکا و اقیانوسیه با خبر نبوده و یا

پیغمبران خدا، و شاید هم هردو! شگفتی انسان آنجا به اوج خود می رسد که مشاهده می کند "آنچه که ادیان توحیدی بعنوان کل اراضی زمین و ممالک جهان معرفی می کنند، از مرز خاور میانه و کمی آنطرف تر روم عبور نمی کند! مثلن در هیچ کجای تورات ما سخنی از چین - پرجمعیت ترین کشور فعلی جهان و بی شک پرجمعیت ترین سرزمین آن روزگار- نمی شنویم، اما اقوام ذره بینی متعددی چون کلدانیان و آشوریان و بابلیان و امثالهم بدقت و بمناسبت های مختلف مورد بررسی قرار گرفته اند. ما در قرآن نه اسمی از تمدن های اینکا و چین و هند و گرماین (پروس و آلمان) می شنویم و نه حتا از وجود ملت های بزرگی که در این سرزمین ها زندگی می کرده اند خبری بدست می آوریم، چه دنیای قرآن خلاصه می شود به شبهه جزیره عربستان و همسایگانش و البته شهرهای خیالی چون جابلقا و جابلسا! اگر امروز بشر می داند که آئین های کهنی چون بودائیسیم و هندوئیسم و میترائیسم قرن ها قبل از اسلام پیروانی داشته اند، نه از آن روی است که قرآن چنین اطلاعاتی را به بشر داده، بل که این اطلاعات تنها نتیجه رشد ارتباطات و علم و بسبب نزدیکی انسانها به یکدیگر و طبعن فراگیری بیشتر نسبت به هم بوده است. اگر عوامل مختلفی سبب شده اند که امروزه بخش اعظم جهان ما (نه از لحاظ جمعیتی که تنها از لحاظ قدرت سیاسی و شهرت متعاقبش) گروندگان سه آئین سامی مزبور محسوب شوند، این دلیل نمی شود که ما نقصان جغرافیائی کتابهائی چون تورات و انجیل و قرآن را در نیابیم و آئین های مورد بحث را برای تمام فصول و جوامع بشری قلمداد کنیم. به همین خاطر، سخن گفتن از "جهان شمول بودن" ادیان توحیدی، گزاره گویی محض است.

۱. "یهوه" همان خدای یهودیان است. (همچون "الله" که خدای مسلمانان است).

۲. "درسپانی در باره قرآن"; تئودور نولدکه. [http://www.bible.ca/islam/library/Noeldeke/index.htm]

۳. "Islam: Muhammad and His Religion"; Arthur Jeffery, 1958 [http://www.bible.ca/islam/library/islam-quotes-jeffery.htm]

۴. "محمد در مکه"; مونتگمری وات. [http://www.bible.ca/islam/library/islam-quotes-watt.htm]

۵. در مورد کم سوادگی و اصولن عدم اطلاع اعراب هزار و چهارصد سال پیش و از جمله شخص محمد در زمینه بافت انسانی Anthropology و جغرافیائی جهان، به آیاتی نگاه کنید که "زمین را مسطح و کوهها را ستونهای معرفی کرده که مانع از به زمین افتادن آسمان می شوند!" نیز جغرافیای تشریح شده در قرآن - یعنی محدوده جزیره العرب و کمی پس از آن که در متن مقاله سخنش رفت - نشانگر دانش محمد و یارانش در باره وسعت کره زمین و اقوام و نژادهای گوناگون ساکن در ارض بوده است. به همین خاطر دور از واقعیت نیست که اگر محمد انسانی زرد پوست را می دید، او را با یکی از فرستادگان خدا و یا شیطانی رانده شده از بارگاه الهی اشتباه می گرفت!

۶. در مورد ضعف علمی پیامبر و کتابش قرآن، خواندن مقالات زیر توصیه می شود:

• "تناقضات در اسلام" : [http://eteraz2.blogspot.com/2002_11_24_eteraz2_archive.html#85097180]

• "تناقضات در اسلام" : [http://eteraz2.blogspot.com/2002_11_01_eteraz2_archive.html#85148518]

• "پایه های شبه علمی در قرآن وحدیث": [http://kaafar.com/maghale/koran%20science/Yavehay-elmi-quran.htm]

• "آیا خدا جمع و ضرب هم بلد است؟!": [http://kaafar.com/maghale/koran%20science/jamvezarb.pdf]